

# بایدها و نبایدها در نظام برنامه ریزی درسی ایران: دیدگاه متخصصین تعلیم و تربیت

نعمت اله موسی پور

## مقدمه

آموزش و پرورش یک نهاد اجتماعی برآمده از متن جامعه و در عین حال سازنده و تکامل دهنده آن می باشد. اگر به آموزش و پرورش در چهار چوب جامعه نظر شود روندهای آن به دو چهار محور شکل می گیرند:

- آموزش و پرورش به منزله یک نهاد
- آموزش و پرورش به منزله مجموع اعمال تربیتی (فرایند تربیتی)
- آموزش و پرورش به منزله مجموع دانش ها و رفتارها (محتوای برنامه)
- آموزش و پرورش به منزله نتیجه یا محصول اعمال تربیتی (فرد تربیت شده)

وقتی از آموزش و پرورش به منزله یک نهاد (یا نظام) یاد می شود برای آن ساخت ها و قواعد عمل خاصی وجود دارد که بر اساس آنها می توان به تفکیک و مقایسه نظام های آموزش و پرورش پرداخت. به عنوان مثال می توان بین آموزش و پرورش سنتی و مترقی تفاوت قائل شد و یا آموزش و پرورش ایران را با آلمان مقایسه کرد.

نظام آموزش و پرورش، همچون سایر نظام‌ها، دارای اجزاء و عواملی است. یکی از اجزاء بسیار با اهمیت در نظام آموزش و پرورش «نظام برنامه ریزی درسی» است. نوع ارتباط اجزاء و عوامل یک نظام، چگونگی عملکرد و نتیجه فعالیت آنرا مشخص می‌کند و به همین علت است که هر گاه نتیجه خاصی از عملکرد یک نظام مورد نظر باشد تجدید نظر در اجزاء و عوامل آن نظام لازم می‌آید.

تلاش برای ایجاد نوع خاصی از ارتباط بین اجزای یک نظام به گونه‌ای که مقصود خاصی را متحقق نماید «برنامه ریزی» خوانده می‌شود. برنامه ریزی به عنوان فعالیت مستمری که چگونگی حداکثر استفاده از امکانات برای تحقق اهداف و شیوه‌های ارزشیابی آن را تعیین می‌کند، پیوسته نیازمند «تصمیم‌گیری» است: تصمیم‌گیری در مورد «چرایی» و «چگونگی» عمل.

نوع تصمیم‌گیری، که بر اساس میزان دخالت هر یک از اجزاء یک نظام در این عمل مشخص می‌گردد، می‌تواند به عنوان معیاری برای تفکیک و مقایسه نظام‌های برنامه ریزی مورد استفاده قرار گیرد. گاه در تصمیم‌گیری تمام اجزاء یک نظام به شکل فعال دخالت دارند و گاه فقط بخش خاصی از اجزاء نظام تصمیمات لازم را اتخاذ می‌نمایند و سایر اجزاء ملزم به اطاعت هستند. البته در حد فاصل این دو شکل افراطی، حالتی بینابین نیز وجود دارد که گرچه تصمیمات کلی از سوی بخش خاصی از اجزاء نظام اتخاذ می‌شود ولی اجزاء در حوزه کار خود و در چهارچوب تصمیمات کلی مختار به اخذ تصمیم می‌باشند. بدین ترتیب سه نظام برنامه ریزی از همدیگر قابل تفکیک اند: برنامه ریزی متمرکز، نیمه متمرکز و غیر متمرکز.

اگر در یک نظام برنامه ریزی یک واحد مرکزی به اتخاذ تدابیر بپردازد و تمامی واحدهای تابعه ملزم به رعایت دستورات باشند، برنامه ریزی شکل متمرکز دارد و اگر هر یک از واحدهای یک نظام مختار به اخذ تصمیم در مورد فعالیت‌های خود باشند برنامه ریزی را غیر متمرکز می‌خوانند و اگر واحدهای مختلف یک نظام در چهارچوب طرح کلی

و اصول مدونی که از جانب یک واحد مرکزی تعیین می شود مختار به اخذ تصمیم در مورد کارهای خود باشند برنامه ریزی نیمه متمرکز نامیده می شود.<sup>۲</sup>

برای هر یک از این شیوه های تصمیم گیری در نظام آموزش و پرورش به طور اعم و نظام برنامه ریزی درسی به شکل اخص مزایا و معایبی وجود دارد.

حسن شیوه متمرکز را در توزیع متساوی امکانات، برقراری وحدت و یگانگی برنامه ها و در نتیجه افراد مملکت، تشخیص بهتر نیازمندیهای مملکتی و در نتیجه تامین بهتر آنها و در نهایت بالا بودن درجه کارائی از حیث استفاده از منابع انسانی و مالی دانسته اند. معایب این شیوه تصمیم گیری را تأثیر مسائل سیاسی بر روندهای تربیتی، عدم توجه به نیازمندیهای محلی، اثر گذاری تصمیمات نابجا در تمامی ارکان نظام، عدم توجه به پرورش استعداد های مختلف افراد و سلب اختیار افراد و در نهایت محدود کردن ابتکار و خلاقیت مدیران ذکر کرده اند.

از مزایای نظام غیر متمرکز می توان به توجه به نیازمندیهای محلی و خصوصیات اقلیمی و مشارکت مردم در تصمیم گیریها اشاره کرد و عدم توزیع متساوی امکانات آموزشی، امکانات دخالت گروه های محلی در روندهای تربیتی، عدم توجه به نیازمندیهای ملی و عدم تشابه و هماهنگی بین برنامه های کل کشور را به عنوان معایب این شیوه بر شمرد.<sup>۳</sup>

گرچه شیوه تصمیم گیری نیمه متمرکز به عنوان شیوه ای که فاقد معایب هر دو شیوه متمرکز و غیر متمرکز و واجد محاسن هر دوی آنهاست، مطرح گردیده است؛ اما بایستی توجه داشت که هر یک از حالت های تصمیم گیری مذکور نیازمند امکانات و شرایطی هستند. هر گاه امکانات و شرایط زمینه را برای نحوه ای از تصمیم گیری فراهم سازد. بکارگیری آن شیوه مفید فایده خواهد بود و مزایای آن بر معایبش چتر خواهند گسترده؛ و هر گاه چنین نشود و شرایط فراهم نباشد، مزایا در با تلاق معایب مدفون خواهند گردید.

## روند تحولی برنامه ریزی درسی در ایران

در ایران شکل گیری وزارت معارف به منظور «تنظیم آموزش»، پس از انقلاب مشروطه، نقطه عطفی در تاریخ تشکیل مدارس جدید و بخصوص تمرکزگرایی در آموزش و پرورش است. وزارت معارف از همان اوایل در پی آن بود تا جریانهای آموزشی را به نحو خاصی سازماندهی کند.

تا قبل از سال ۱۳۱۶ هجری شمسی دولت مرکزی نه تنها به تهیه و تدوین کتب درسی اقدام نمی کرد بلکه در تشکیل و اداره مدارس نیز نقش چندان زیادی را بر عهده نداشت اما با تصویب و اعلام «برنامه تحصیلات ابتدائی» از سوی شورایی عالی معارف - که تقریباً از ۲۰ سال پیش مسئولیت نظارت بر آموزش کشور را عهده دار بود - دوره جدیدی در تهیه و تدوین کتب درسی آغاز گردید. برنامه تحصیلات ابتدائی برای هر یک از دروس محتوای خاصی را بصورت تعیین سرفصل مطالب مشخص کرده بود که مولفین ملزم به رعایت آنها در تهیه کتب بودند. در اواخر دهه دوم قرن حاضر شمسی «اداره امتحانات و برنامه ها» به منظور تنظیم برنامه تحصیلات در مقاطع مختلف تحصیلی تشکیل گردید و در تیرماه سال ۱۳۳۴ قسمت برنامه از اداره مذکور جدا و اداره ای تحت عنوان «اداره مطالعات و برنامه ها» تأسیس شد. کار اداره مذکور تا سال ۱۳۴۱ محدود به تطبیق کتب نوشته شده بوسیله مولفین با رئوس مطالب تهیه شده از جانب وزارت و صدور مجوز برای بعضی از کتب جهت تدریس در مدارس بود. در این سال هیئت وزیران تالیف و تهیه کتابهای درسی را نیز منحصراً بر عهده وزارت آموزش و پرورش گذارد و بدین ترتیب «دایره مواد درسی» اداره کل مطالعات و برنامه ها، با تغییراتی در حدود مسئولیت ها، به «سازمان کتابهای درسی ایران» مبدل گردید. این سازمان بر اساس اساسنامه مصوب ۱۳۴۳/۷/۸ وظیفه تالیف و تهیه کتابهای درسی را عهده دار گردید و بدین ترتیب نظام آموزشی در تالیف کتب نیز حالت متمرکز پیدا کرد و این روند هم اکنون نیز ادامه دارد.<sup>۲</sup>

## نظریات و تحقیقات در باره نظام آموزش و پرورش ایران

حالت تصمیم گیری متمرکز در نظام آموزشی بطور کلی و نظام برنامه ریزی درسی بطور اخص از جانب صاحب نظران و محققین مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. «معیری» با اشاره به تاثیر نظام آموزشی متمرکز در «تحمیل فرهنگ بیگانه به منظور پایه گذاری عمیق شرایط استثمار مردمی و استعمار کشور» نتیجه می گیرد که بایستی «نظام و مدیریت غیر متمرکز آموزش و پرورش تدریجاً و با توجه به طبیعت جامعه مورد عنایت سازمانهای برنامه ریزی قرار گیرد و به مسئولان و سازمانهای محلی به فراخور نیازها و ضرورتهای منطقه ای و شرایط داخلی مدرسه اختیار داده شود تا فعالیت های روزانه خود را در چارچوب هدفها و آرمانهای کلی مبتنی بر مشخص ترین ارزشهای زمان، اما با هر روش و شیوه ای که سود بخش تر و موثرتر می نماید، ترتیب دهند (معیری ۱۳۶۴).<sup>۵</sup>

«عسکریان» نظامی نیمه متمرکز را در آموزش و پرورش مدنظر دارد و بیان می کند «اگر قصد این باشد که در آموزش و پرورش جامعه ای عدالت اجتماعی رعایت گردد، بهتر است که با تفویض اختیاراتی به مناطق، جهت اشاعه فرهنگ هر منطقه، آنها را ملزم به پیروی از مدیریت مرکزی نمود. بدین منوال، با تلفیق ویژگیهای مدیریتی متمرکز با غیر متمرکز، پیشرفتی در عملکرد تربیتی حاصل می شود» (عسکریان ۱۳۶۶).<sup>۶</sup>

«جوام» به عدم وجود ارتباط منطقی بین نیازهای اجتماعی و اقتصادی کشور با توسعه آموزش و پرورش و بی توجهی به شرایط اقلیمی و جغرافیائی و اجرائی در برنامه ریزی ها اشاره کرده و پیشنهاد کرده است «فرم برنامه ریزی از حالت متمرکز کنونی خارج شود و با حفظ نظارت مرکزی بصورت نیمه متمرکز و در پاره ای مسائل غیر متمرکز طراحی و اجرا گردد که فعالتر شدن شوراهای برنامه ریزی استان و تشکیل شوراهای آموزش و پرورش منطقه ای می تواند یکی از راههای عملی برای رفع این مشکل باشد». (جوام ۱۳۶۶).<sup>۷</sup>

وجود نظام متمرکز آموزش و چشمگیر بودن عیوب آن دقت و توجه را بسوی خود

جلب کرده است و کمتر کسی است که در باب عیوب و نواقص نظام‌های نیمه متمرکز و غیر متمرکز برای شرایط خاص ایران در دودهمه اخیر سخنی به میان آورده باشد (حداقل نگارنده چنین مطلبی نیافته است). بنظر می‌رسد این امر بدلیل اینکه از زمانی که آموزش به شکل جدید در ایران مطرح گردیده همواره با نظام آموزشی متمرکز اداره شده و تقریباً هیچ تجربه‌ای از کارائی یا عدم کارائی نظام‌های نیمه متمرکز و غیر متمرکز در دست نیست، قابل توجه باشد.

### بیان مسئله

تصمیم‌گیرهای متفاوت در شرایط و زمینه‌های متفاوت، کارائی‌های متفاوتی را نشان می‌دهند، جامعه و مملکت ایران از ابعاد مختلف زندگی اجتماعی دارای شرایط و ویژگی‌های خاصی است. بنابراین، این سؤال بطور کلی قابل طرح است که چه نوع برنامه ریزی‌ای در مورد هر یک از ابعاد حیات اجتماعی این مملکت ثمر بخش تر و کارا تر است. با وجود آنکه تفاوت‌ها در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی چشمگیر و بارز است، آموزش رسمی با برنامه‌های درسی و فعالیت‌های یاددهی - یادگیری یکسان برای کل کشور از سوی مرکز تعیین و ابلاغ می‌گردد. با وجود تفاوت‌های شدید اقلیمی در نقاط مختلف تمامی مدارس بایستی همزمان با صدای زنگ مدرسه دارالفنون در تهران صدای زنگ خود را به صدا در آورند و دانش‌آموزان را پرسش‌میزهای تحصیل بنشانند. اینکه آیا آنچه در نظام برنامه ریزی درسی موجود ایرا بریان دارد همان شکلی است که متناسب با شرایط خاص این مملکت است (شکل مطلوب) و یا حداقل شکلی است که متناسب با شرایط فعلی مملکت می‌باشد (شکل مناسب) سئوالی است که پاسخ گویی به آن نیازمند بررسی‌های دقیق علمی است. لزوم این نوع بررسیها در لزوم ثمر بخشی و کارائی فعالیت‌های آموزش نهفته است زیرا تا در جریانهای آموزشی نظامی صحیح و مطلوب حاکم نگردد، بازدهی مطلوب آرزویی است تحقق نیافتنی.

بدین ترتیب تصمیم گیری در باب اهداف، روشها و شیوه‌های ارزشیابی برنامه‌های درسی بایستی به شکلی انجام گیرد که در شرایط خاص این مملکت بیشترین فایده را در پی داشته باشد و اکنون سؤال این است که کدام شیوه تصمیم گیری برای چنین شرایطی «مطلوب» است و کدام شیوه تصمیم گیری برای «شرایط فعلی» - با توجه به مشکلات خاصی که اکنون وجود دارد - «مناسب» می‌باشد.

## اهداف و سئوالهای پژوهش

هدف این پژوهش ترسیم نیمرخ ویژگیهای «نظام مطلوب برنامه ریزی درسی در ایران» بود تا از طریق مقایسه صفات نظام مطلوب با ویژگیهای نظام موجود، از طرفی «قوت‌ها» و از طرف دیگر «ضعف»های نظام فعلی عیان گردند تا از این طریق زمینه‌های لازم جهت تحقق نظام مطلوب فراهم آید. هم چنین این مسئله نیز مورد نظر قرار گرفت که ویژگیهای «نظام برنامه ریزی مناسب» برای شرایط فعلی جامعه ایران کدامند؛ زیرا چنین بنظر می‌رسد که وضع فعلی جامعه از ابعاد مختلف با وضع مطلوب و حتی وضع عادی تفاوت دارد.

- بر اساس اهداف مذکور سئوالهای ذیل پرتو افکن طریق گردیدند:
- نظام مطلوب برنامه ریزی درسی ایران دارای چه ویژگیهایی است؟
  - نظام موجود برنامه ریزی درسی ایران دارای چه قوت‌هایی است؟
  - نظام موجود برنامه ریزی درسی ایران دارای چه ضعف‌هایی است؟
  - نظام مناسب برنامه ریزی درسی برای «شرایط فعلی» جامعه ایران چه ویژگیهای است؟

## روش انجام پژوهش

پژوهش به روش توصیفی انجام شد و به جمع‌آوری نظرات گروهی از متخصصین تعلیم و تربیت محدود گردید.

### الف) جامعه آماری و روش نمونه گیری

جامعه مورد پژوهش شامل اساتید تعلیم و تربیت دانشگاه‌های تهران بود و نمونه از دانشکده‌های علوم تربیتی دانشگاه‌های شهید بهشتی، تهران، تربیت معلم و علامه طباطبائی انتخاب گردید. سعی شد نظرات تمام کسانی که به عنوان عضو هیئت علمی در این دانشکده‌ها فعالیت داشتند و دارای تحصیلات در حوزه تعلیم و تربیت بودند در مورد سئوالهای پژوهش جمع آوری گردد.

### ب) ابزار و چگونگی جمع آوری اطلاعات :

ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه‌ای بود که سئوالهای آن به صورت پاسخ بسته در دو قسمت طرح شده بودند. قسمت اول پرسشنامه به بیان پاره‌ای از خصوصیات نظام‌های برنامه ریزی درسی اختصاص یافته بود که پاسخ دهندگان ضمن تعیین ویژگیهای نظام فعلی برنامه ریزی درسی بر اساس موارد داده شده، در مورد اینکه آیا هر یک از آن ویژگیها برای شرایط فعلی جامعه مناسب هستند یا خیر و هم چنین آیا هر یک از آنها در نظام مطلوب برنامه ریزی درسی بایستی وجود داشته باشند یا خیر، نیز نظر می‌دادند (به پرسشنامه ضمیمه مراجعه شود).

قسمت دوم پرسشنامه به بیان بعضی از جنبه‌های زندگی اجتماعی اختصاص یافته بود که با توجه به هر یک از آن جنبه‌ها، پاسخ دهندگان شیوه تصمیم‌گیری مناسب نظام برنامه ریزی درسی ایران را مشخص می‌کردند.

### ج) روش تجزیه و تحلیل یافته‌ها

از پنجاه پرسشنامه‌ای که در بین نمونه مورد نظر توزیع گردید سی پرسشنامه عودت داده شد که بیست و چهار تای آنها قابل استفاده برای تحلیل نتایج بودند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی (فراوانی و درصد) انجام شده و ملاک قبول یک صفت بعنوان ویژگی ای برای نظام برنامه ریزی درسی موافقت



بیش از ۷۰ درصد پاسخ دهندگان (دو سوم نمونه) قرار گرفت.

تعیین خصوصیات نظام‌های برنامه ریزی درسی «موجود»، «مطلوب» و «مناسب» بر اساس درصد پاسخ دهندگان انجام گرفت و برای تعیین نقاط «ضعف» و «قوت» نظام فعلی برنامه ریزی درسی، ویژگی‌های نظام‌های «مطلوب» و «موجود» با یکدیگر مقایسه گردیدند. این مقایسه بر اساس الگوی ذیل صورت گرفت:

در نظام مطلوب

نیاید باشد	باید باشد		
ضعف	قوت	وجود دارد	در نظام موجود
رعایت اصول (قوت)	ضعف	وجود ندارد	

بر اساس الگوی مذکور دو متغیر وضعیت، یک خصیصه در نظام مطلوب با دو سطح، و وضعیت یک خصیصه در نظام موجود با دو سطح مورد مطالعه قرار گرفته است. دو سطح نظام مطلوب «باید باشد» و «نباید باشد» و دو سطح نظام موجود «وجود دارد» و «وجود ندارد» بودند. در نقاط تقاطع سطوح دو متغیر مذکور چهار حالت به وجود آمد:

- ۱- خصیصه‌ای وجود دارد و باید باشد
- ۲- خصیصه‌ای وجود دارد و نباید باشد
- ۳- خصیصه‌ای وجود ندارد و باید باشد
- ۴- خصیصه‌ای وجود ندارد و نباید باشد.

حالت اول نشان دهنده جنبه‌های منطبق وضع موجود و مطلوب است و در واقع بیانگر وجود خصایصی است که در نظام مطلوب نیز باید وجود داشته باشند. این حالت قوت‌های نظام برنامه‌ریزی درسی را نشان می‌دهد.

حالت‌های دوم و سوم در برگیرنده ضعف‌های نظام می‌باشند چه یا آنچه که باید باشد نیست و یا آنچه که نباید باشد موجود است.

حالت چهارم حکایت از رعایت موازین و اصول دارد. گرچه چنین حالتی خوب بودن یک نظام را نشان می‌دهد اما به عنوان قوت در اینجا در نظر گرفته نمی‌شود. این حالت نشانه انجام وظیفه است.

### نتایج

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش این امر را بر ملا ساخت که عموم پاسخ‌دهندگان به نظامی کم و بیش غیر متمرکز در برنامه‌ریزی درسی ایران گرایش دارند، هر چند که ملاحظاتی در این ارتباط مطرح است اما گرایش عموم به طرد نظام متمرکز برنامه‌ریزی درسی تقریباً بی‌چون و چراست. شاید استنباط دقیق‌تر از یافته‌ها تجویز نظامی نیمه متمرکز در برنامه‌ریزی درسی به عنوان نظام مطلوب در ایران باشد که حرکت آن به سوی غیر متمرکز شدن است. توضیح این مطلب در پاسخ‌های ارائه شده به سئوالهای تحقیق به فهم موضوع بیشتر کمک خواهد کرد.

#### ۱- ویژگیهای «نظام مطلوب» برنامه‌ریزی درسی در ایران

ویژگیهای ذیل که به ترتیب اهمیت (بر اساس میزان فراوانی موافقین) به عنوان خصایصی که بایستی در نظام مطلوب موجود باشند مطرح شده‌اند:

- شرکت معلم در روند تهیه برنامه (۱۰۰ درصد)
- پرهیز از تاکید بر حفظیات در ارزشیابی دانش‌آموزان (۱۰۰ درصد)
- توجه به نیازهای خاص هر محل در انتخاب برنامه‌های درسی (۹۵ درصد)

- تعیین نوع روش ارزشیابی دانش آموزان از طرف مقامات محلی (۹۵ درصد)

- محدود نکردن وظیفه معلم در تدریس کتب درسی (۹۵ درصد)

- آزاد بودن مقامات محلی در تعیین شروع سال تحصیلی (۸۶ درصد)

- آزاد بودن معلم در انتخاب اهداف جزئی برنامه‌های درسی (۸۵ درصد)

- شرکت اولیاء در روند تهیه برنامه‌های درسی (۸۰ درصد)

- انتخاب محتوای برنامه‌های درسی از طرف مقامات محلی (۸۰ درصد)

- عدم اجبار در استفاده از کتب متحدالشکل تهیه شده در مرکز (۸۰ درصد)

- آزادی معلم در انتخاب نوع روش ارزشیابی دانش آموزان (۷۵ درصد)

- آزادی معلم در انتخاب روش تدریس خود در هر موقعیت (۷۵ درصد)

- توجه به نیازهای عام کشور در انتخاب برنامه‌های درسی (۷۰ درصد)

## ۲- نقاط قوت نظام فعلی برنامه ریزی درسی کشور

آندسته از ویژگیهایی که بایستی در نظام مطلوب برنامه ریزی درسی وجود داشته باشند و در نظام فعلی نیز موجودند به عنوان نقاط قوت قلمداد گردیده‌اند. بر این اساس برای نظام فعلی برنامه ریزی درسی کشور هیچ نوع "قوتی" را نمی‌توان ملحوظ داشت.

لازم به ذکر است که «تعیین روشهای تدریس بوسیله مقامات مرکزی» از جانب ۷۰ درصد پاسخ دهندگان «مناسب شرایط فعلی» قلمداد گردیده است. این خصیصه را پاسخ دهندگان در نظام فعلی نیز موجود دانسته‌اند و از این جهت شاید بتوان آنرا به عنوان «قوتی» در نظام برنامه ریزی درسی محسوب کرد.

## ۳- نقاط ضعف نظام فعلی برنامه ریزی درسی کشور

منظور از "ضعف" آندسته از ویژگیهایی است که یا در نظام فعلی وجود دارند ولی در نظام مطلوب بایستی باشند و یا در نظام فعلی وجود ندارند ولی در نظام مطلوب بایستی

باشند. تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش ویژگیهای ذیل را به عنوان نقاط ضعف نظام برنامه ریزی درسی نشان می‌دهد. (در مقابل هر یک از ویژگیها دو درصد دیده می‌شود که اولی نشان دهنده موافقت پاسخ دهندگان با وجود چنین صفتی در نظام فعلی برنامه ریزی درسی است و دومین درصد نشان دهنده موافقت پاسخ دهندگان با پرهیز از چنین صفتی در نظام مطلوب می‌باشد).

- عدم شرکت معلم در روند تهیه برنامه‌ها (۸۲ درصد، ۱۰۰ درصد)
- عدم شرکت اولیاء در روند تهیه برنامه‌ها (۱۰۰ درصد ۸۳ درصد)
- عدم توجه به نیازهای خاص هر محل در انتخاب برنامه‌های درسی (۱۰۰ درصد، ۹۵ درصد)
- عدم توجه به نیازهای عام کشور در انتخاب برنامه‌های درسی (۹۵ درصد، ۷۰ درصد)
- همزمانی شروع سال تحصیلی در سراسر کشور و عدم آزادی مقامات محلی در تعیین شروع سال تحصیلی (۱۰۰ درصد، ۸۶ درصد)
- تعیین نوع روش ارزشیابی دانش آموزان از طرف مقامات مرکزی و عدم آزادی معلم و مقامات محلی در تعیین روش ارزشیابی دانش آموزان (۹۰ درصد، ۹۵ درصد) *شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
- تعیین محتوای برنامه‌های درسی بوسیله مقامات مرکزی و عدم آزادی مقامات محلی در تعیین محتوای برنامه درسی (۱۰۰ درصد، ۸۲ درصد).
- تهیه کتب درسی بصورت متحدالکشل از مرکز برنامه ریزی (۱۰۰ درصد ۸۰ درصد)
- تعیین روشهای تدریس بوسیله مقامات مرکزی و عدم آزادی معلم در انتخاب روش تدریس (۶۵ درصد، ۷۴ درصد).

۴- ویژگیهای نظام برنامه ریزی درسی «مناسب» برای شرایط فعلی کشور توجه به این امر که تحقق ویژگیهای خاص در یک نظام مستلزم شرایطی در جامعه است و جامعه امروز ایران به دلیل بعضی از وقایع اجتماعی (انقلاب، جنگ و ...) دارای شرایط خاصی است، یافتن ویژگیهای مناسب برای شرایط فعلی بیانگر واقع بینی و واقع گرایی در امر برنامه ریزی است. به همین دلیل از پاسخ دهندگان خواسته شد تا بدون توجه به ویژگیهای مطلوب، به ویژگیهای مناسب برای شرایط فعلی اشاره کنند. تجزیه و تحلیل یافته‌ها نشان داد که پاسخ دهندگان خصایص ذیل را به عنوان ویژگیهایی که برای شرایط فعلی مناسب است مطرح کرده‌اند:

- محدود نکردن وظیفه معلم در تدریس کتاب درسی (۹۵ درصد)
- پرهیز از اهمیت صرف به حفظ کردن مطالب در ارزشیابی دانش آموزان (۹۱ درصد)
- پرهیز از شروع همزمان سال تحصیلی در سراسر کشور (۹۰ درصد)
- پرهیز از تدوین برنامه‌ها فقط با توجه به نیازهای مشترک دانش آموزان (۸۵ درصد)
- پرهیز از آزادی مقامات محلی در تعیین اهداف جزئی و کلی (۸۴ درصد)
- پرهیز از تعیین نوع روش ارزشیابی از سوی مقامات مرکزی (۷۵ درصد)
- انتخاب برنامه‌های درسی با توجه به نیازهای خاص هر محل (۷۵ درصد)
- انتخاب برنامه‌های درسی با توجه به نیازهای عام کشور (۷۵ درصد)
- پرهیز از توجه صرف برنامه‌های درسی به نیازهای جامعه (۷۰ درصد)
- پرهیز از آزادی معلم در انتخاب محتوای تدریس (۷۰ درصد)
- تعیین اهداف جزئی بوسیله معلم (۷۰ درصد)

- تعیین روشهای تدریس بوسیله مقامات مرکزی (۷۰ درصد)  
 - پرهیز از تهیه برنامه‌هایی که صرفاً جهت آموزش مهارت‌های شغلی و توانائیهای فردی می‌باشند (۶۷ درصد).

بنابراین «تعیین روشهای تدریس بوسیله مقامات مرکزی» با آنکه مناسب شرایط فعلی است ولی در شرایط مطلوب نبایستی وجود داشته باشد و در مقابل «آزاد بودن مقامات محلی در تعیین اهداف کلی و جزئی» و هم چنین «آزاد بودن معلم در انتخاب به محتوای تدریس» که از ویژگیهای نظام مطلوب قلمداد شده‌اند، جزء خصایص نظام برنامه‌ریزی درسی مناسب شرایط فعلی کشور نمی‌باشند.

#### ۵- شیوه تصمیم‌گیری در نظام برنامه‌ریزی درسی مطلوب

از پاسخ دهندگان خواسته شده بود بر اساس هر یک از ابعاد حیات اجتماعی (ابعاد جغرافیائی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، تاریخی - سنتی - و بالاخره بطور کلی) شیوه مطلوب تصمیم‌گیری در نظام برنامه‌ریزی درسی را بر اساس سه شکل تصمیم‌گیری متمرکز، نیمه متمرکز و غیر متمرکز مشخص سازند.

پاسخهای بدست آمده نشان دادند که اکثریت پاسخ دهندگان (۸۴٪) در مجموع شیوه تصمیم‌گیری نیمه متمرکز را برای نظام برنامه‌ریزی درسی ایران مطلوب دانسته‌اند. در ارتباط با هر یک از ابعاد، پاسخ‌ها تا حدودی پراکندگی داشتند اما با توجه به ابعاد جغرافیائی، اجتماعی، اقتصادی و تاریخی نیز اکثریت به شیوه نیمه متمرکز در روند تصمیم‌گیریهای نظام برنامه‌ریزی درسی معتقد بوده‌اند (به ترتیب ۵۵ درصد، ۶۵ درصد، ۶۸ درصد و ۴۴ درصد) در حالیکه در ارتباط با بعد سیاسی جامعه شیوه تصمیم‌گیری مناسب نظام برنامه‌ریزی درسی را پاسخ دهندگان شیوه متمرکز دانسته‌اند (۶۴ درصد).

## جمع بندی و بحث

ویژگیهای نظام مطلوب برنامه ریزی درسی ایران را در قالب چهار مرحله فرایند یاددهی - یادگیری یعنی تعیین اهداف، «گزینش محتوا»، «انتخاب روش تدریس» و «برگزیدن روش ارزشیابی» می توان به شرح ذیل خلاصه کرد:

تعیین اهداف: تعیین اهداف کلی و جزئی نباید از سوی مقامات مرکزی صورت گیرد (۶۸ درصد) و مقامات محلی باید در تعیین اهداف کلی و جزئی از آزادی عمل برخوردار باشند (۵۵ درصد) و بخصوص معلم باید در تعیین اهداف جزئی از آزادی عمل برخوردار باشد (۸۵ درصد).

گزینش محتوا: محتوای برنامه های درسی باید بوسیله مقامات محلی تعیین گردد (۸۲ درصد). و این امر نباید بعهده مقامات مرکزی باشد (۷۶ درصد). هم چنین با توجه به این امر باید از تهیه کتب متحدالشکل از مرکز برنامه ریزی برای سراسر کشور پرهیز شود (۸۱ درصد).

انتخاب روش تدریس: روش تدریس را نباید مقامات مرکزی تعیین نمایند (۹۰ درصد) و معلم باید در انتخاب روش تدریس خود در هر موقعیت آزاد باشد (۷۴ درصد). در این مورد تعدادی از پاسخ دهندگان تعیین روش تدریس از جانب مقامات محلی را پیشنهاد کرده اند (۶۰ درصد).

برگزیدن روش ارزشیابی: مقامات مرکزی نباید به تعیین روش ارزشیابی پردازند (۸۲ درصد) ولی مقامات محلی می توانند این امر را بعهده داشته باشند. (۹۵ درصد). هم چنین معلم باید در انتخاب روش ارزشیابی دانش آموزان آزاد باشد (۷۵ درصد).

با توجه به اینکه در نظامهای غیر متمرکز «سازمانها بطور گسترده عمل کرد و هر واحد سازمانی خود تصمیم گرفته و خود عمل می کند و رده های مختلف سازمان بخصوص واحدهای فرودست از قدرت تصمیم گیری برخوردارند»<sup>۸</sup> و با توجه به خصایصی که برای نظام مطلوب برنامه ریزی درسی ایران برشمرده شد، می توان گفت که نظام برنامه ریزی درسی مطلوب ایران از نظر متخصصین تعلیم و تربیت «نظامی غیر متمرکز» است. این نتیجه اگر در ارتباط با پاسخهای داده شده به شیوه تصمیم گیری مناسب بر اساس ابعاد مختلف حیات اجتماعی در نظر گرفته شود شاید معنای دقیق تری بیابد. نتایج نشان دادند که اکثریت پاسخ دهندگان «بطور کلی» شیوه نیمه متمرکز را برای شرایط مطلوب جامعه ایران پیشنهاد کرده بودند (۸۴ درصد) و باقیمانده (۱۶ درصد) نیز تصمیم گیری غیر متمرکز را مناسب دانسته بودند. این امر که در مجموع هیچیک از پاسخ دهندگان نظام متمرکز را «بطور کلی» برای نظام برنامه ریزی درسی ایران مناسب ندانسته اند شاید تاییدی بر نتیجه فوق باشد.

اما این نتیجه از این جهت که در پرسشنامه بین اهداف کلی و جزئی تفکیک لازم بعمل نیامده بود و با توجه به اینکه «در برنامه ریزی درسی نیمه متمرکز، تصمیمات مربوط به هدفهای برنامه درسی در سطح کشور میان مسئولان سطح بالای آموزش و پرورش در مرکز و مسئولان و مجریان سطوح پائین آموزش و پرورش تقسیم می شوند، بطوریکه هدفهای کلی برنامه های درسی مدارس کشور توسط مسئولان و برنامه ریزان درسی سطح بالای آموزش و پرورش در مرکز تعیین می شوند و تصمیمات مربوط به هدفهای جزئی برنامه های درسی در سطح پائین بوسیله مسئولان و برنامه ریزان درسی و معلمان مجرب و نمایندگان والدین و یادگیرنده های آن سطح اتخاذ و اجرا می گردد»<sup>۹</sup> قابل بحث و مناقشه است. بخصوص این مسئله با توجه به اینکه نظر اکثریت پاسخ دهندگان این بوده است که بطور کلی نظام برنامه ریزی درسی نیمه متمرکز مطلوب ایران است - چنانکه اشاره شد - بیشتر قابل بحث و مورد شک واقع می شود. بدین ترتیب با توجه به آنچه گفته شد می توان



بیان کرد که نظام برنامه ریزی درسی مطلوب ایران بر اساس نظر متخصصین تعلیم و تربیت نظامی نیمه متمرکز با گرایش بسوی غیر متمرکز می باشد.

این نتیجه با آنچه که در تحقیقات قبلی بدست آمده است (جوام ۱۳۶۶) همخوان است و هم چنین در جهت نظریاتی است که صاحب نظران برای بهبود نظام آموزشی ایران مطرح کرده اند (عسکریان ۱۳۶۶ و معیری ۱۳۶۴) اما با اینحال مانع طرح این سؤال نمی باشد که آیا با شرایط خاص سیاسی و حاکمیت جامعه چنین امری ممکن است؟

### پیشنهادهات

۱- گرچه یافته های پژوهش حاکی از آنست که نظامی نیمه متمرکز در برنامه ریزی درسی برای شرایط خاص جامعه ایران مناسب و مطلوب است اما قصد این نیست که به شکل معمول و مرسوم پیشنهاد شود که حرکت نظام آموزشی «باید» بدان سو باشد. پیشنهاد می شود تحقیقاتی از این نوع با وسعت و دقت بیشتر انجام شود و بخصوص گروه های متعددی که دست اندرکار برنامه های درسی هستند مورد آزمون قرار گیرند و تمامی جوانب امر برنامه ریزی در ارتباط با ابعاد مختلف حیات اجتماعی، مخصوصاً بعد سیاسی و حکومتی آن، مورد بحث و بررسی قرار گیرند و هم چنین روندهای جدید در علم برنامه ریزی درسی مورد توجه قرار گیرند و با توجه به آنها تصمیم نهایی اتخاذ گردد. در این ارتباط دو مسئله عمده «وحدت ملی» و «توسعه ملی» بیشتر جای بحث و بررسی دارند و توجه به آنها با دقت بیشتری لازم می نماید.

۲- از آنجا که تحقیق فعلی به دلیل کلی بودن سئوالهای پرسشنامه و محدود بودن نمونه با مشکلات جدی در تعمیم نتایج روبروست، پیشنهاد می گردد که تحقیقی از این نوع با وسعتی بیشتر از نظر نمونه - نمونه ای که شامل تمامی گروه های دست اندرکار برنامه های درسی با وقتی بیشتر از نظر کاربرد ابزار باشد - پرسشنامه ای که هم با ریزبینی بیشتر به طرح مسائل برنامه ریزی درسی بپردازد و هم با کوششی جدی تر به تفکیک مراحل و مقاطع آموزشی همت گمارد - تدوین شود، تا شاید از این راه در این وادی تاریک نوری افکننده شود.

## یادداشتها و منابع

- ۱- یونسکو، تفکر درباره تحولات آینده آموزش و پرورش، ترجمه محمد علی امیری، انتشارات دفتر امور کمک آموزشی و کتابخانه‌ها (وزارت آموزش و پرورش)، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۸، ص ۶۹
- ۲- مصطفی عسکریان، سازمان و مدیریت آموزش و پرورش، انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم تهران، ۱۳۶۶، صفحات ۱۱۸ تا ۱۲۱
- ۳- محمد علی طوسی، آموزش و پرورش متمرکز و غیر متمرکز، نشریه دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران، شماره دوم و سوم سال ۱۳۵۰، صفحات ۱ تا ۱۵
- ۴- محمد کاظم نائینی، تاریخچه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش، انتشارات وزارت آموزش و پرورش - سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش - نشریه شماره ۱۰، صفحات ۲ تا ۷
- ۵- محمد طاهر معیری، مسائل آموزش و پرورش، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، تهران ۱۳۶۴ ص ۱۳۶
- ۶- عسکریان، ماخذ قبلی ص ۱۲۱
- ۷- محمد حسین جوام، بررسی مسائل و مشکلات پژوهش و برنامه‌ریزی در وزارت آموزش و پرورش، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران، دی ماه ۱۳۶۶
- ۸- عسکریان، ماخذ قبلی ص ۱۱۸
- ۹- علینقی اسراری، مبانی برنامه‌ریزی دزسی (جزوه درسی) انتشارات دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم، تهران، ۱۳۶۸، ص ۴۸

## کتابشناسی

- ۱- اسراری، علینقی؛ مبانی برنامه ریزی درسی (جزو = درسی)، انتشارات دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۶۸
- ۲- جوام، محمد حسین؛ بررسی مسائل و مشکلات پژوهش و برنامه ریزی در وزارت آموزش و پرورش؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران: ۶۶
- ۳- دستلر، گری؛ مبانی مدیریت، ترجمه داود مدنی، انتشارات پیشبرد، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۶
- ۴- رخشان، فریدون؛ طراحی و تحلیل نظام‌های آموزشی، انتشارات نیما، چاپ اول، تبریز ۱۳۶۶.
- ۵- شکوهی، غلامحسین؛ تعلیم و تربیت و مراحل آن، انتشارات آستان قدس رضوی چاپ اول، مشهد ۱۳۶۷.
- ۶- شعاری نژاد، علی اکبر؛ مبانی روان شناختی تربیت؛ انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی؛ چاپ اول، تهران ۱۳۶۶
- ۷- کوک، دو دانهیل؛ مدیریت در آموزش و پرورش، ترجمه محمد علی فرجار، انتشارات الهام، چاپ اول، تهران ۱۳۶۶
- ۸- لوی، الف، برنامه ریزی درسی مدارس، ترجمه فریده مشایخ، انتشارات دفتر کمک آموزشی و کتابخانه‌ها، چاپ سوم، تهران ۱۳۶۸
- ۹- طوسی، محمد علی؛ آموزش و پرورش متمرکز و غیر متمرکز، نشریه دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران، دوره اول، شماره دوم و سوم، سال ۱۳۵۰
- ۱۰- معیری، محمد طاهر؛ مسائل آموزش و پرورش؛ انتشارات امیر کبیر، چاپ اول تهران، ۱۳۶۴
- ۱۱- نادری، عزت اله و سیف نراقی، مریم؛ روش‌های تحقیق و شیوه ارزشیابی آن در علوم

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی / بهار ۷۱

انسانی، انتشارات بدر، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۸  
۱۲- نیکلس، هاروارد و ادری؛ راهنمای عملی برنامه ریزی درسی، ترجمه داریوش دهقان  
انتشارات قدیانی، تهران.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## بسمه تعالی

استاد ارجمند

این پرسشنامه برای انجام یک تحقیق دانشجویی تهیه گردید در هدف آن بررسی وضعیت نظام برنامه ریزی درسی در ایران می باشد. از همکاری شما که بی شک امید بخش و راهنمای ما خواهد بود صمیمانه تشکر می شود.

\* \* \* \* \*

۱- مواردی از خصوصیات یک نظام برنامه ریزی درسی در ذیل ذکر گردیده که هر یک از آنها ممکن است در نظام فعلی برنامه ریزی درسی کشور وجود داشته باشد و یا بعنوان خصیصه لازم برای نظام برنامه ریزی درسی مطلوب در ایران قلمداد شود. در مقابل این موارد گزینه هایی در سه ستون جداگانه ارائه شده است. در ستون اول وضعیت فعلی مورد توجه است و پاسخهای این قسمت خصایص نظام فعلی را مشخص خواهند کرد. در ستون دوم به ضعفها و قوت های نظام فعلی توجه شده که در ارتباط با ستون اول میباشد. ستون سوم به نظام مطلوب میپردازد. پاسخهای این قسمت خصایص نظام برنامه ریزی درسی مطلوب را در ایران مشخص خواهند کرد. بنابراین خواهشمند است جایگاه هر یک از موارد مطرح شده را در ستونهای روبرو مشخص نمایید.

تذکر: (لطفاً به دو مفهوم ذیل در پاسخ دهی توجه فرمائید.)

منظور از مقامات مرکزی مسئولین هستند که تصمیمات آموزشی لازم را بصورت مرکزی اتخاذ کرده به سراسر کشور اعلام مینمایند.

منظور از مقامات محلی مسئولینی هستند که در استانها و شهرستانها عهده دار مسائل آموزشی میباشند.

در برنامه ریزی درسی		با توجه به شرایط		در نظام فعلی		مورد
		مناسب است	مناسب نیست			
در ایران	نیاید					تعیین نوع روش ارزشیابی دانش آموزان از طرف مقامات مرکزی
	باید باشد					تهیه برنامه صرفاً برای آموزش مهارت‌های شغلی و توانایی‌های فردی
						تدوین برنامه‌ها فقط با توجه به نیازهای مشترک دانش آموزان
						اهمیت دادن به حفظ کردن مطالب در ارزشیابی دانش آموزان
						انتخاب برنامه‌های درسی با توجه به نیازهای خاص هر محل
						آزاد بودن مقامات محلی در تعیین زمان شروع سال تحصیلی
						آزاد بودن معلم در انتخاب روش ارزشیابی دانش آموزان
						تعیین محتوای برنامه‌های درسی بوسیله مقامات مرکزی
						آزاد بودن مقامات محلی در تعیین اهداف کلی و جزئی
						تدوین برنامه‌های درسی فقط با توجه به نیازهای جامعه
						لا تقییر و یکسان بودن سن ورود به مدرسه برای دانش آموزان
						انتخاب محتوای برنامه‌های درسی بوسیله مقامات محلی
						تهیه کتب درسی بصورت متحدالشکلی از مرکز کشور
						تعیین اهداف کلی و جزئی بوسیله مقامات مرکزی
						آزادی معلم در انتخاب روش تدریس در هر موقعیت
						شرکت دادن اولیا در روند تهیه برنامه‌های درسی
						شرکت دادن معلم در روند تهیه برنامه‌های درسی
						تعیین نوع روش ارزشیابی بوسیله مقامات محلی
						انتخاب برنامه‌ها با توجه به نیازهای عام کشور
						همزمانی شروع سال تحصیلی در سراسر کشور
						تعیین روشهای تدوین بوسیله مقامات مرکزی
						تعیین روشهای تدریس بوسیله مقامات محلی
						تدریس کتب درسی بعنوان تنها وظیفه معلم
						آزاد نبودن معلم در انتخاب محتوای تدریس
						تعیین اهداف جزئی بوسیله معلم

بایدها و نبایدها در نظام برنامه ریزی درسی ...

باتوجه به هر یک از موقعیتهای ارائه شده در جدول ذیل کدام نوع نظام برنامه ریزی درسی را برای ایران مناسب می دانید؟

موقعیت	متمرکز	نیمه متمرکز	غیر متمرکز
از نظر جغرافیائی			
از نظر اجتماعی			
از نظر اقتصادی			
از نظر سیاسی			
از نظر تاریخی (سنتی)			
از نظر بطور کلی			

چنانچه مطلب دیگری را پیرامون برنامه ریزی درسی در ایران لازم به ذکر میدانید مرقوم فرمائید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی